درس 15

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
دوم تواريخ
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (دوم تواريخ 16، 18، 20 و 26)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: كليساي مسيح
دو به دو دوره كنيد. كليساي مسيح 3: خدمات كليسا: افسسيان 4:12-13

4 تعليم (90 دقيقه)
مثل مردي كه دو پسر داشت و مثل درخت انجير بي‌حاصل
«مثل مردي كه دو پسر داشت» در متي 21:28-32، مثلي است درباره «مسؤوليتي كه براي ورود به ملكوت خدا متوجه ما است.»
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1 در كتاب راهنماي ملكوت، شماره 1) بررسي خواهيم كرد.

الف) مثل مردي كه دو پسر داشت

قرائت: متي 21:28-32

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
اغلب خانواده‌هايي كه فرزندان رو به رشد دارند، با اين تجربة غم‌انگيز مواجه‌اند كه فرزندان گاه از خواست والدين سرپيچي مي‌كنند. بااينحال، تجربة شيرين اين است كه اين فرزندان اغلب از رفتار خود پشيمان شده، خواست والدين را انجام مي‌دهند.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينه . اين مثل در پيوند نزديك با متي 21:23-27 است كه در آن كاهنان اعظم و رؤساي قوم اسرائيل، اقتدار عيسي را در پاكسازي معبد و به‌ويژه تعليم و شفا در محوطة معبد زير سؤال مي‌برند. عيسي در جواب، از ايشان مي‌پرسد يحيي تعميددهنده به چه اقتداري تعميد مي‌داد. آيا اقتدارش را از آسمان داشت، يا از انسان؟ اكراه آنها از افشاي ماهيت دروني‌شان و بيان اعتقاد حقيقي خود، گواه رياكاري‌شان بود. آنان وانمود كردند كه پاسخ را نمي‌دانند، و حال آنكه در واقع يحيي تعميددهنده را رد كرده بودند.

ب) داستان اين مثل در متي 21:28-30 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربردِ اين مثل در متي 21:31-32 يافت مي‌شود.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل

کشف و بحث: کداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
الف) «تاكستان». از آنجا كه در اين مثل گفته نشده «تاكستان من»، آن را نبايد به «تاكستان خدا، يعني قوم اسرائيل» تعبير كرد. بنابراين تاكستان در اين مثل جزو جزئيات اصلي نيست و نبايد واجد معناي خاصي دانسته شود.
ب) «پسر اول» ، نمايانگر تمام كساني است كه ابتدا بي‌ايماني و نااطاعتي نشان مي‌دهند ولي بعد توبه مي‌كنند. بنابراين، «پسر اول» جزو جزئيات مربوط و اصلي در اين مثل است.
ج) «پسر دوم» ، نمايانگر تمام كساني است كه تظاهر به اطاعت مي‌كنند، اما در واقع بي‌ايمان و نامطيع‌اند. «پسر دوم» نيز جزو جزئيات مربوط و اصلي است.

4- تشخيص پيام اصلي مثل
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثلِ مردي كه دو پسر داشت در متي 21:28-32، به ما تعليم مي‌دهد كه « براي ورود به ملكوت خدا چه مسؤوليتي متوجه ما است .» پيام اصلي مثل اين است: « صرفنظر از اينكه كسي سابقاً بي‌ايمان، باجگير، يا فاحشه بوده باشد، همگان شخصاً مسؤولند وارد ملكوت خدا شوند. اين مسؤوليت به گردن همه است كه شخصاً از زندگي نامطيعِ سابق خود توبه كرده، ارادة خدا را به‌جا آورند! »

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
قرائت: 1) اول سموئيل 15:22-23؛ 2) متي 7:21-27؛ 23:1-4؛ 3) يوحنا 15:14؛ اعمال 5:29.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثلِ «مردي كه دو پسر داشت» مقايسه كرد؟
يادداشتها:
1) اول سموئيل 15:22-23. شاؤل پادشاه فقط نيمي از دستور خدا را اطاعت كرد. او دشمن را از بين برد، اما اموالشان را نگاه داشت. او بر غنائم جنگي چنگ انداخت و پادشاه شرير عماليق را زنده نگاه داشت. سموئيل نبي به او گفت كه اطاعت از خدا بهتر از تقديم قرباني است، و سرپيچي از دستور خدا و تمرد در برابر او به اندازة گناه بت‌پرستي، زشت و ناپسند است. از آنجا كه شاؤل پادشاه سخن خدا را رد كرد، خدا نيز او را رد كرد. و اين مخصوصاً براي آناني كه در سمت رهبري قرار دارند، هشداري است مهم.
2) متي 7:21-27؛ 23:1-4 . برخي از مردم با زبان مي‌گويند كه به خدا ايمان دارند و آنچه را كه به گمان آنان مورد پسند خدا است انجام مي‌دهند، اما آنچه را كه براستي ارادة خدا است بجا نمي‌آورند! آنان ارادة خدا را مي‌شنوند و مي‌دانند، اما آن را بجا نمي‌آورند. اين بطور خاص هشداري است براي كساني كه كتاب‌مقدس را بخوبي مي‌دانند و معلوماتشان در اين زمينه گسترده است.
3) يوحنا 15:14؛ اعمال 5:29. تمام كساني كه سخنان عيسي را انجام مي‌دهند، دوستان او خوانده مي‌شوند و روح‌القدس را دريافت خواهند كرد. ارادة خدا در وهلة نخست اين است كه مردم توبه كنند و عيسي مسيح را به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود اقرار نمايند (يوحنا 13:16و36؛ 6:29).

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:

الف) آنچه مهم است، انجام ارادة خدا است.
يهوديان و بويژه رهبرانشان به باجگيران به ديدة تحقير مي‌نگريستند، زيرا اين عده افرادي طمّاع و پول‌پرست بودند كه با اخاذي پول بدست مي‌آوردند و با دشمن، يعني با روميان ظالم همدست شده بودند. باجگيران و زنان فاحشه در اسرائيل جزو بدترين گنهكاران محسوب مي‌شدند. و بي‌ترديد اگر همچنان به زندگي كثيف و گناه‌آلودشان ادامه مي‌دادند، به هيچ وجه نمي‌توانستند وارد ملكوت خدا شوند (اول قرنتيان 6:9-10؛ مكاشفه 21:8 و27). از نگاه انساني، براي اينگونه افراد هيچ اميدي به ورود به ملكوت وجود نداشت. اما آنان با ديدن يحيي تعميددهنده و گوش فرا دادن به سخنانش، توبه كردند. آنان تحت تأثير «راهِ عدالت» يحيي قرار گرفتند، يعني تحت تأثير رفتار عادلانة خودِ يحيي و نيز تحت تأثير عدالتي واقع شدند كه وي در تعاليمش مردم را بدان فرا مي‌خواند (ر.ش. لوقا 3:8-14). يحيي از مردم مي‌خواست از گناهانشان توبه كنند. باجگيران و زنان فاحشه از گناهان خود توبه كردند و گروه گروه به عيسي مسيح ايمان آوردند (اول قرنتيان 6:11). خداوند از ديدن توبه و ايمان باجگيران و فاحشه‌ها، بي‌نهايت خشنود مي‌شود (لوقا 5:30-31؛ 19:10).

ب) تظاهر به انجام ارادة خدا، رياكاري است.
تصور بر اين بود كه رهبران مذهبيِ يهود بخوبي با شريعت خدا آشنايند و خود نيز در ظاهر طوري رفتار مي‌كردند كه گويي پيوسته آمادة انجام ارادة خدا هستند. اما در واقع تنها وانمود مي‌كردند مطيع

خدايند. آنان نبي خدا يعني يحيي تعميددهنده را رد كرده بودند و اكنون نيز عيسي مسيح و تعاليمش را رد مي‌كردند و حتي توطئه كرده بودند او را بكشند.

ج) پيام اصلي اين مثل، توبه در پي بي‌ايماني و نااطاعتي اوليه است.
حتي اگر در گذشته گنهكار بزرگي بوده‌ايد و مرتكب گناهاني شرم‌آور شده‌ايد، مهم اين است كه هم‌اكنون توبه كنيد، و نزد عيسي مسيح بياييد و بدو ايمان آوريد تا نجات يابيد (اشعيا 1:18؛ـ 55:7؛ ميكاه 7:18-19؛ لوقا 23:40-43)!

ب) مثل درخت انجير بي‌حاصل

قرائت: لوقا 13:1-9.

1- درك داستان طبيعي مَثَل
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
معمولاً مدتها طول مي‌كشد تا يك درخت انجير ميوه بدهد. در اين مثل، مي‌خوانيم كه درخت انجير در تاكستانِ خودِ صاحب باغ كاشته شده بود. اين كاري نامعمول نبود، زيرا بدين ترتيب به بهترين وجه از گياه مراقبت مي‌شد. وقتي سرانجام زماني رسيد كه درخت قاعدتاً مي‌بايست ميوه دهد، صاحب باغ به جستجوي ميوه رفت. ديدن ميوه بر درخت انجير آسان نيست، زيرا ميوه‌ها معمولاً لابلاي شاخ و برگ پنهانند. بنابراين براي ديدن ميوه بايد به سراغ خود درخت رفت. اما صاحب باغ سه سال پياپي هيچ ميوه‌اي بر درخت نديد. سرانجام دستور داد درخت را قطع كنند، زيرا نمي‌خواست آب و املاح معدني مورد نياز گياهان ديگر را بي‌جهت پاي اين درخت بي‌حاصل هدر دهد. اما باغبان پيشنهاد كرد صاحب تاكستان يك فرصت ديگر نيز به او بدهد تا او از درخت مراقبت كند. قول داد كه خاك پاي درخت را نرم سازد و به آن كود دهد. عيسي عمداً در اين باره كه آيا اين درخت انجير سرانجام ميوه داد يا نه، چيزي نمي‌گويد و پاسخ را به عهدة خود خوانندگان يا شنوندگان مي‌گذارد. عيسي مي‌خواهد هر كس اين داستان را با زندگي خود مطابقت دهد.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:

الف) زمينة اين مثل در لوقا 13:1-5 يافت مي‌شود. پيام اصليِ زمينة مثل اين است كه «توبه كنيد!»، اما پيام اصليِ خود مثل اين است كه « همين الآن توبه كنيد!». عيسي در لوقا 13:2-3 مي‌گويد: «آيا گمان مي‌بريد كه اين جليليان گناهكارتر بودند از ساير سكنة جليل از آن رو كه چنين زحمات ديدند؟ ني. بلكه به شما مي‌گويم اگر توبه نكنيد، همگي شما همچنين هلاك خواهيد شد».

ب) داستان اين مثل در لوقا 13:5-9 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد . عيسي دربارة اين مثل توضيحي نمي‌دهد، اما توضيح آن تلويحاً در خود متن موجود است.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحاني مستقلي قائل شويم.
قرائت: متي 21:18-22و42-44؛ لوقا 20:15-16؛ 21:20-24.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:

الف) جنبة تمثيلي دادن به مثل. بعضي اوقات مردم مي‌خواهند براي تك تك جزئيات يك مثل معنايي خاص قائل شوند يا به عبارت ديگر، از مثل برداشتي «تمثيلي» داشته باشند. براي مثال، گريگوري كبير (540-604 م) اين مثل را چنين تفسير كرده است: «صاحب باغ خدا است، كه سه بار به جستجوي ميوه بر آمد. بار اول، پيش از فرستادن شريعت مكتوب بود. خدا در آن زمان به انسان اين توانايي را داد كه به مدد عقلي كه به‌طور طبيعي به وي بخشيده بود، بداند چطور بايد با همسايهٔ خود رفتار كند. بار دوم، به‌هنگام فرستادن شريعت مكتوب بود. خدا در آن زمان احكام و فرامين خود را به انسان آموخت. بار سوم نيز از طريق فيض به سراغ انسان رفت، و بر او رحم كرد. "تاكستان" نمايانگر كساني است كه بر كليسا حاكم‌اند. منظور از "كَندن"، ملامت كردن جانهايي است كه ميوه نياورده‌اند. "كود" نمايانگر به‌ياد

آوردن گناهان است. براي كساني كه حاضر نيستند از گناهانشان توبه كنند، اين خطر وجود دارد كه بريده شوند.» با توجه به متن نمي‌توان به چنين برداشتي تمثيلي رسيد، و بنابراين چنين تفسيري را بايد مردود خواند.

ب) درخت انجير. مفسري گفته است كه «درخت غرس شده در تاكستان» نمايانگر «اورشليم واقع در اسرائيل» است. اما با توجه به ماجراي نفرين كردن درخت انجير توسط عيسي در متي 21، «درخت انجير» كاشته شده در تاكستان احتمالاً نماد قوم اسرائيل است كه در مقايسه با ديگر امتهاي جهان داراي امتيازات فراواني بود. عيسي چنين تعليم مي‌دهد كه قوم اسرائيل از گناهان خود توبه نكرد و نزد او باز نگشت. در نتيجه، اهميت و موجوديت ديني و سياسي آن به‌يكباره پايان يافت! ملكوت خدا از آنان گرفته شد و به ديگراني سپرده شد كه ميوهٔ ملكوت خدا در آنها ديده مي‌شود (متي 21:41-43). اورشليم و معبد آن نيز نابود شد، و اين نقطه پايان قوم اسرائيل بود. بااينحال اين بدان معنا نيست كه خدا تمام يهوديان را رد كرده است. در اول پطرس 2:9-10 مي‌خوانيم كه قوم خدا را اكنون تمام مسيحيان اعم از يهود و غيريهود تشكيل مي‌دهند.

ج) دورهٔ سه ساله. اين دوره را نيز به انحاء مختلف تفسير كرده‌اند. مفسري آن را نمايانگر «كل مسير تاريخ اسرائيل» خوانده است. مفسري ديگر آن را نمايانگر «سه سال خدمت مسيح» دانسته است. و مفسري ديگر آن را دوراني دانسته كه «با خدمت يحيي تعميددهنده آغاز مي‌شود». اما در خود كتاب‌مقدس هيچ دليلي نيست كه نشان دهد اين «سه سال» را بايد واجد معنايي نمادين دانست. از اين رو، اين دوران جزو جزئيات مربوط و اصلي در اين مثل نيست.

مع‌الوصف، اين واقعيت كه صاحب باغْ درختِ بي‌حاصل را همان سال اول قطع نكرد، في‌الواقع به محبت و صبر عظيم خدا نسبت به مردم، و در اينجا بويژه نسبت به قوم اسرائيل، اشاره دارد.

د) باغبان بزرگوار جزو جزئيات مربوط و اصلي در اين مثل است. او آشكارا نمايانگر خدا است «كه نسبت به قوم خود اسرائيل صبر و تحمل فراوان دارد». خدا امروزه نيز، هم نسبت به يهوديان و هم نسبت به غيريهوديان، با صبر و حوصله فراوان رفتار مي‌كند (لوقا 13:4-21؛ دوم پطرس 3:9).

4- تشخيص پيام اصلي مثل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مثلِ درخت انجير بي‌حاصل در لوقا 13:1-9، به ما تعليم مي‌دهد كه « براي ورود به ملكوت خدا چه مسؤوليتي متوجه ما است .» پيام اصلي مثل اين است: « هر كس بايد بيدرنگ توبه كرده، نزد عيسي مسيح بيايد. چه در غير اينصورت، براي هميشه هلاك خواهد شد! »

«مسؤوليت فردي» يكي از ويژگيهاي اصلي ملكوت خدا است. قوم حقيقي ملكوت خدا، اتخاذ تصميمات مهم را هيچگاه به تعويق نمي‌اندازند و درنگ را جايز نمي‌دانند. آنان بلافاصله توبه مي‌كنند و نزد عيسي مسيح مي‌آيند، زيرا نمي‌خواهند براي هميشه در هلاكت به‌سر برند.

5- مقايسهٔ مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس

قرائت: اشعيا 55:6-7؛ امثال 27:1؛ دوم قرنتيان 6:2.

كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثلِ «درخت انجير بي‌حاصل» مقايسه كرد؟

يادداشتها:

اشعيا 55:6-7 مي‌فرمايد: «خداوند را مادامي‌كه يافت مي‌شود بطلبيد، و مادامي‌كه نزديك است او را بخوانيد. شرير... بسوي خداوند بازگشت كند، و بر وي رحمت خواهد نمود.» هر شخص بابت پاسخي كه به عيسي مسيح مي‌دهد مسؤول است. مسؤول است خدا را مادامي‌كه يافت مي‌شود، بطلبد! مسؤول است همين الآن، يعني همين امروز بسوي خداوند بازگشت كند و اين مهم‌ترين تصميم زندگي‌اش را آنقدر به تأخير نيندازد كه ديگر براي عوض شدن خيلي دير شده باشد! دوم قرنتيان 6:2 مي‌فرمايد: « الحال زمان مقبول است و اينك روز نجاتست». هر كسي مسؤول است بيدرنگ به دعوت عيسي مسيح لبيك گويد، زيرا الآن زمان مقبول خدا و هم‌اكنون روز نجات است!

6- خلاصهٔ تعاليم اصلي مثل

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟

يادداشتها:

درس اصلي اين مثل اين است كه بيدرنگ و بدون اتلاف وقت بسوي عيسي مسيح بياييم. اگرچه خدا نسبت به قوم خود صبر و تحمل فراوان دارد، سرانجام روزي كاسهٔ صبر او لبريز خواهد شد. يكروز -و تنها خود خدا مي‌داند اين روز چه هنگام فرا مي‌رسد- فرصت نجات از انسان گرفته مي‌شود! و كسي كه هميشه تعلل ورزيده و توبه را به تأخير انداخته، در گناهان خود خواهد مرد و هلاك خواهد شد (ر.ش. مكاشفه 21:8، ترسندگان و بي‌ايمانان). بنابراين درنگ جايز نيست! همين امروز عيسي مسيح را به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده‌تان بپذيريد!

ج) خلاصة تعاليم يا دروس اصلي مثلهاي مربوط به مسؤوليتي كه براي ورود به ملكوت خدا متوجه ما است.

تعليم:

مسؤوليت وارد شدن به ملكوت خدا، مسؤوليت فرديِ تك تك ابناء بشر در اين دنيا است. هيچ كس نمي‌تواند بجاي ديگري چنين مسؤوليتي را بر دوش كشد. هيچ كس نمي‌تواند بجاي كسي ديگر تصميم بگيرد كه توبه كند و به عيسي مسيح ايمان آورد. و هيچ كس نيز نمي‌تواند ديگري را به‌سبب پيامدهاي تصميماتي كه خود مي‌گيرد، مقصر بداند. بنابراين، اين مثلها تعليم مي‌دهند كه هر فرد براي ورود به ملكوت خدا چه مسؤوليت بزرگي بر عهده دارد:

الف) مثل كودكان نشسته بر سر كوچه. متي 16:16-19.

هر كس بخاطر واكنش غيرمسؤولانه‌اش نسبت به خدا پاسخگو است. غيرمسئولانه و نسنجيده رفتار كردن، كاري است ابلهانه و بچگانه. بنابراين هر كس بايد رفتار بچگانه را كنار گذاشته، مسؤوليت گفتار و كردار خود را بپذيرد.

ب) مثل علائم وضع هوا . متي 16:1-4.

هر كس بخاطر واكنش غيرمسئولانه‌اش در قبال علائمي كه خدا در مورد زمان مي‌دهد، در حضور او پاسخگو است. ما بايد به‌جاي آنكه صرفاً به علائم نه چندان مهم هوا توجه داشته باشيم، توجه‌مان را معطوف علائم بسيار مهمي سازيم كه نويددهندة آغاز عصر جديدِ تاريخ نجات خدا مي‌باشد. وقايع مهم زندگي عيسي نظير مرگ و قيام او، چنان علائم عظيم و مهمي هستند كه نمي‌توان بي‌تفاوت از كنار آنها گذشت و واكنشي نشان نداد.

ج) مثل مردي كه دو پسر داشت. متي 21:28-32.

هر كس بخاطر واكنش غيرمسئولانه‌اش در قبال ارادة خدا پاسخگو است. هر كس بايد برغم بي‌ايماني و نااطاعتي اوليه خود، نزد عيسي مسيح بازگردد و به او به‌عنوان خداوند و نجات‌دهندة خود ايمان آورد. ارادة خدا چنين است، و انجام اين اراده تنها چيزي است كه براستي ضروري است.

د) مثل درخت انجير بي‌حاصل. لوقا 13:1-9.

هر كس بخاطر واكنش غيرمسئولانه‌اش در قبال صبر و تحمل خدا در زندگي‌اش، پاسخگو است. چنين شخصي اگر سالها غيرمسؤولانه عمل كرده و به دعوت خدا لبيك نگفته است، بايد بيدرنگ بسوي خدا بازگشت نمايد، زيرا بالاخره روزي كاسة صبر خدا لبريز مي‌شود و آن زمان ديگر براي توبه و نجات خيلي دير است (مكاشفه 6:12-17).

ه) مثل تور ماهيگيري. متي 13:47-50.

هر كس مسؤول است از قطعيت و برگشت‌ناپذيري مطلق داوري نهايي خدا آگاه باشد. اين واقعيت بايد انگيزه‌اي باشد براي فرد فرد ابناء بشر، تا توبه كنند و وارد ملكوت خدا شوند. بنابراين، هر كس شخصاً مسؤول است توبه كند و وارد ملكوت خدا شود!

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.

براي يك فرد يا يك گروه مثلِ «مردي كه دو پسر داشت» و مثلِ «درخت انجير بي‌حاصل» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از دوم تواريخ 32 و 33 و 34 و 36 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.

- به خاطر سپردن: در مورد آيه حفظي جديد تفكر كنيد و آن را به خاطر بسپاريد. وظائف رهبران كليسا: اعمال 20:28. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.

- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).

- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 4:17-25. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.

- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.